

**قرآن تنزل علم الهی است**

استاد درس خارج حوزه علمیه گفت: قرآن، تنزل علم الهی است و علم الهی متحد با ذات خداوند است؛



استاد درس خارج حوزه علمیه گفت: قرآن، تنزل علم الهی است و علم الهی متحد با ذات خداوند است؛ بنابراین حقیقت قرآن در مرتبه ذات خداوند است و ذات خدا بر همه حتی نبی اعظم که به قاب قوسین او ادنی رسید، پنهان است.

مهدی هادوی تهرانی به گزارش ایکننا، آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی، استاد درس خارج حوزه علمیه، ۲۷ اسفندماه در ادامه سلسله مباحث تفسیری سوره مبارکه واقعه، به تفسیر آیات دیگری از این سوره پرداخت که در ادامه می‌خوانید:

خداوند در آیات ۷۵ به بعد به مواقع نجوم قسم خورد و آن را قسمی عظیمی دانست. **فَلَا أُفْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ؛ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوُتَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶)**. مقسم به، در آیه ۷۷ بیان شده است؛ **إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ مَكْتُوبٍ (۷۸)**. یعنی قرآن کریم با کرامت و خواندنی و در دسترس همگان و در کتابی پنهان است.

برخی بزرگان مانند آیت‌الله شاه‌آبادی، استاد عرفان حضرت امام خمینی (ره) معتقد بود که قرآن، تنزل علم الهی است و علم الهی متحد با ذات خداوند است؛ بنابراین حقیقت قرآن در مرتبه ذات خداوند است و ذات خدا بر همه حتی نبی اعظم که به قاب قوسین او ادنی رسید، پنهان است. بنابراین حقیقت قرآن در جایی پنهان است و آن حقیقت خداوند تبارک و تعالی است. **لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹)؛ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰)؛ أَقْبَهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ (۸۱) وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ (۸۲) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ (۸۳) وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (۸۴) وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ**

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ یعنی این قرآن را فقط کسانی می‌توانند مس کنند که طهارت دارند؛ طهارت در اینجا دو مرتبه دارد؛ یکی طهارت باطنی و دیگری ظاهری؛ یعنی بدون وضو کسی نباید به قرآن دست بزند و بالاتر از این مرتبه، آن که حقیقت و بطون واقعی قرآن را کسانی می‌توانند بفهمند و درک کنند که طهارت باطنی داشته باشند.

در بحث فهم باطنی قرآن باید گفت که مفهومی چون تأویل در برابر تفسیر مطرح است که در واقع همان معنای غیر ظاهری قرآن در برابر تفسیر به مفهوم بیان معنای ظاهری آیات است. علامه طباطبایی فرموده است که تأویل به معنای گفته شده یعنی در برابر تفسیر نیست بلکه از ریشه واژه اول گرفته شده است و به معنای ریشه قرآن و آیات آن است و آن حقیقت را فقط خداوند و راسخون فی العلم می‌دانند و این قرآن با این خصوصیات تنزیل و فرو فرستاده شده از ناحیه خداوند است؛ تنزیل من رب العالمین. **مداهنه در آیات قرآن**

در ادامه آیات **«أَقْبَهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ، وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ»** هم به نوعی به مؤاخذه برخی افراد پرداخته و فرموده است شما قرآن و این گفتار با این ویژگی‌هایی را که برشمرده و به آن قسم خورده شد را سبک می‌شمارید؟ شیخ طوسی گفته است که مقصود از مدهنون طبق نظر ابن عباس یعنی مکذبون، معنای دیگری هم گفته شده است ولی ظاهراً تعبیر علامه دقیق‌تر است.

ادهان در عربی به معنای روغن مالی کردن است و به تعبیر خودمانی ماست مالی؛ خداوند فرمود: آیا شما این سخن را ماست مالی می‌کنید و فکر می‌کنید به قول امروزی‌ها مطالب زرد روزنامه‌ای است؟ قبلاً اشاره شد قرآن به تعبیر این آیه **«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيَسِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أُجْرًا كَبِيرًا»** مایه هدایت است ولی در عین حال فرمود که لا یمسه الا المطهرون یعنی برای کسانی هدایت است که متقی باشند و گرنه برای ظالمین مایه گمراهی بیشتر است **«ولا يزيد الظالمين الا خسارا»**.

در آیه شریفه بعد اشاره شد که **وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ**. یعنی شما رزق و روزی خودتان از قرآن را فقط مداهنه درباره آن قرار داده‌اید. در ادامه هم فرموده است که **فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ (۸۳) وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ (۸۴) وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ**؛ در اینجا بین مفسران تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که خطاب به اطرافیان و خانواده فرد میت است. در روایات بیان شده است که جان انسان از پا به سمت حلقوم گرفته می‌شود؛ علامه طباطبایی هم بر این نکته تأکید دارد که شما که می‌گویید حشر و نشر و حیات بعد از دنیا وجود ندارد، مردن اطرافیان را که می‌بینید و ما در این شرایط به شخص محتضر از شما نزدیک‌تر هستیم ولی شما نمی‌فهمید.

در آیات ۸۶ و ۸۷ هم فرموده است: **فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**، اگر شما به جزا و پاداش الهی اعتقادی ندارید، اگر می‌توانید این مرده‌ها را به دنیا برگردانید. البته همانطور که عرض شد این تفسیر مورد اتفاق مفسران است ولی برخی روایات به گونه‌ای دیگر هم معنا کرده‌اند.

در این آیات خداوند گویا یک تصویر و فیلمی را در ذهن انسان ایجاد می‌کند، یعنی یک فردی در حال احتضار است و در حال جان دادن و اطرافیان کنار او هستند ولی آن‌ها نه قدرت دارند او را برگردانند و نه وضعیت روحی او را می‌توانند درک کنند و خدا به او نزدیک‌تر است.

در آیات بعد دوباره به سه گروه از انسان‌ها برگشته است؛ یعنی دقیقاً همان تقسیم‌بندی که در آیه هفتم این سوره انجام داده و فرموده بود انسان‌ها سه دسته می‌شوند؛ مقربون؛ اصحاب‌المیمنه و اصحاب‌المشئمه. در اینجا این تقسیم‌بندی این‌گونه است: **فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ. وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَدِّبِينَ الصَّالِينَ** یعنی یا مقربون هستند یا اصحاب‌الیمین و یا گمراهان و تکذیب‌کنندگان که توضیحات آن در آینده بیان خواهد شد.